

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۷۱)، پاییز ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/pij.2022.228617.1294

صفحات: ۱۲۳-۱۴۸

رویکرد استراتژیک امریکا و هند به منطقه ایندو-پاسیفیک

مهدی امیری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

مهرشاد غفاری‌زاده**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

چکیده

ایندو-پاسیفیک پویاترین و متنوع‌ترین منطقه جهان است. این منطقه به کانون اصلی سیاست و اقتصاد جهان تبدیل شده است. طی یک دهه اخیر توجه جهانی به منطقه از نظر استراتژیک و اقتصادی افزایش یافته است. ظهور و نفوذ چین به عنوان یک قدرت بزرگ تهدیدی برای هژمونی امریکا در سطح نظام بین‌الملل و هند در سطح منطقه‌ای بوده است. امریکا جامع‌ترین شریک استراتژیک هند است. هر دو کشور منافع استراتژیک مکملی دارند؛ امریکا خواهان حفظ هژمونی اقتصادی و نظامی در جهان است و هند به‌نوبه خود در پی گسترش روابط امنیتی با امریکا است تا در آینده شرایط تبدیل شدن این کشور به یک قدرت منطقه‌ای را تسهیل کند. سؤال اصلی مقاله این است که امریکا و هند چه رویکردی نسبت به منطقه ایندو-پاسیفیک دارند؟ فرضیه مقاله این است که هند در استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا نقش «پیشرو» یا محوری دارد، اما این به معنای اتحاد نظامی و امنیتی دو کشور نیست، چراکه هند تلاش دارد تا استقلال استراتژیک خود را در موضوعات منطقه‌ای ایندو-پاسیفیک حفظ کند. دو کشور در تعریف جغرافیایی منطقه، نوع مواجهه با ظهور چین و محوریت آسه‌آن در منطقه رویکرد متفاوت دارند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی و بهره‌گیری از استراتژی‌های امنیتی دو کشور تهیه شده است.

واژگان کلیدی: امریکا، هند، چین، ایندو-پاسیفیک، واگرایی.

* استادیار دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. m.Amiri@mrc.ir.

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). m.ghafarizadeh@ase.ui.ac.ir.

مقدمه

اهمیت روزافزون منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام (ایندو-پاسیفیک) و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی در حال تحول شرق آسیا این منطقه را به مرکز ثقل تغییر قدرت جهانی تبدیل کرده است. ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی، نفوذ فزاینده هند به عنوان یکی از بازیگران در حال ظهور سیاست جهانی و افزایش گسترده حجم مبادلات تجاری در اقیانوس هند باعث شده که ایندو-پاسیفیک نه تنها مهم‌ترین، بلکه مورد مناقشه‌ترین منطقه جهان تبدیل شود. به عبارت دیگر، منطقه ایندو-پاسیفیک به نقطه کانونی رقابت قدرت‌های بزرگ در قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است. ظهور ایندو-پاسیفیک به عنوان یک فضای جغرافیایی جدید (که اقیانوس‌های هند و آرام را در کنار هم قرار می‌دهد) بیانگر واقعیت استراتژیک جدید قرن بیست‌ویکم است و به مرکز جنگ قدرت امریکا و چین تبدیل شده است.

در یک دهه اخیر امریکا، هند، ژاپن، استرالیا، بریتانیا و همچنین اتحادیه اروپا استراتژی‌های ایندو-پاسیفیک را تدوین کرده‌اند تا به عنوان اصول راهنمای خود در منطقه عمل کنند. هند و امریکا در اجرای استراتژی ایندو-پاسیفیک مکمل یکدیگرند، اما این به معنای همسویی و اتحاد استراتژیک کامل دو کشور نیست و هرکدام تفاسیر متفاوت از منطقه دارند. امریکا منطقه ایندو-پاسیفیک را امنیت ملی خود می‌داند و به منظور مقابله با قدرت در حال ظهور چین در حال ترویج استراتژی ایندو-پاسیفیک خود از سال ۲۰۱۷ است. هند که در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ است با یک دوراهی مواجه است که چگونه به نظم ژئواستراتژیک در حال تحول در منطقه ایندو-پاسیفیک پاسخ دهد. از یک طرف، قدرت و نفوذ روزافزون چین و حضور مستمر آن در اقیانوس هند باعث شده تا دهلی‌نو توجه بیشتری به این منطقه داشته باشد و به‌طور هدفمند تعامل خود را با کل کشورهای منطقه ایندو-پاسیفیک افزایش دهد.

از طرف دیگر، هند تمایلی به ورود به هرگونه ترتیباتی که ممکن است به ائتلاف و اتحاد علیه چین منجر شود، ندارد. هند ایندو-پاسیفیک را متفاوت از دیگر قدرت‌های منطقه که این مفهوم را پذیرفته‌اند، تعریف می‌کند که نشان‌دهنده منافع متفاوت آن است. این مقاله به تحلیل رویکرد هند و امریکا به ایندو-پاسیفیک می‌پردازد. اگرچه از سال ۲۰۱۸ و با توجه به گسترش نفوذ چین در اقیانوس هند یک نوع پیوند همگرایی استراتژیک بین دو کشور شکل گرفته، اما هند همچنان سعی در برقراری توازن در مقابل چین و استقلال استراتژیک از امریکا

دارد. با توجه به اهمیت روزافزون ایندو-پاسیفیک در گفتمان جهانی، درک این نکته مهم است که مفهوم ایندو-پاسیفیک به چه معناست؟ رویکرد دو قدرت بزرگ امریکا و هند به منطقه چگونه است و استراتژی آن‌ها در ایندو-پاسیفیک چیست؟ و مهم‌تر اینکه چه واگرایی بین رویکرد دو کشور نسبت به منطقه ایندو-پاسیفیک وجود دارد. این پژوهش با رویکرد تحلیلی و بهره‌گیری از استراتژی‌های امنیتی دو کشور تهیه شده است.

پیشینه پژوهش

آشوک کاپور^۱ در کتاب خود با عنوان «ژئوپلیتیک و منطقه ایندو-پاسیفیک» به بررسی وضعیت این منطقه پرداخته است. در این کتاب بر پیشینه‌ی تاریخی منطقه جهت برجسته کردن اهمیت آن، تغییر قدرت از غرب به شرق و اهمیت ارتباطات در حال رشد بین مناطق آسیا-پاسیفیک و ایندو-پاسیفیک تأکید شده است. نویسنده در ادامه با تقسیم بازیگران به دو دسته قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های میانی، معتقد است که چین و امریکا به عنوان دو قدرت بزرگ نقش مهمی در منطقه دارند، اما درعین حال بازیگران میانی در تعاملات خود با این دو قدرت از استقلال عمل برخوردار هستند (Kapur, 2020).

جیونتا اسکاتلی (۲۰۲۲) در مقاله «هند و قدرت‌های بزرگ: از اقیانوس هند تا منطقه ایندو-پاسیفیک» به بررسی سیاست خارجی هند در این منطقه پرداخته است. نویسنده به بررسی سیاست خارجی هند در دوره‌های مختلف با توجه به تغییر در دینامیک‌های در حال تغییر قدرت پرداخته است و آن را در سه دوره استقلال، جنگ سرد و حال حاضر مورد واکاوی قرار داده است. نویسنده همچنین استدلال می‌کند که استراتژی قدرت بزرگ هند ترکیبی از سیاست مبتنی بر قدرت^۲ و سیاست مبتنی بر اخلاق^۳ است (Schottli, 2022).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مقدمه: رقابت و همکاری در منطقه آسیا-پاسیفیک» نوشته کیسوک آیدا^۴ به تحول روابط دولت‌ها در منطقه آسیا-پاسیفیک یا همان ایندو-پاسیفیک از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ می‌پردازد. آیدا در این مقاله تمرکز خود را به روابط دو کشور چین و ژاپن

1. Ashok Kapur
2. Realpolitik
3. Moralpolitik
4. Keisuke Iida

محدود می‌کند و معتقد است در حالی که دهه اول قرن بیست با همکاری بین‌المللی پیوند خورده بود، دهه دوم تحت سیطره رقابت کشورها و تنش بین آن‌ها در آمده است. اقدامات امریکا برای حضور در اختلافات دریای چین جنوبی باعث شده تا رقابت و تنش در منطقه تشدید شود (Iida, 2021).

در کتاب «امپراتوری ایندو-پاسیفیک: چین، امریکا و رقابت برای منطقه محوری جهان» نوشته روری مدکالف بر رقابت چین و امریکا در این منطقه پرداخته شده است. مدکالف ضمن پرداختن به گذشته غنی و فراموش شده ایندو-پاسیفیک. معتقد است که رقابت اصلی بین چین و امریکا است و چین در حال توسعه نفوذ خود در منطقه است. در نهایت در بخش آخر کتاب به آینده محتمل این منطقه پرداخته شده و نویسنده معتقد است که آینده این منطقه به سمت چندجانبه‌گرایی پیش می‌رود (Mecalf, 2020).

اوسلین^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پرسش از استراتژی امریکا در ایندو-پاسیفیک» به بررسی این مسئله می‌پردازد که امریکا تا جنگ جهانی دوم کمتر به این منطقه توجه داشت اما امروزه با ظهور چین و با توجه به نقش حیاتی آسیا در اقتصاد جهانی استراتژی کلان امریکا به طور قابل توجهی بر منطقه ایندو-پاسیفیک متمرکز شده است. از نظر اوسلین تدوین یک استراتژی مؤثر و جامع برای حفظ ثبات امنیتی و اقتصادی منطقه ایندو-پاسیفیک بزرگ‌ترین آزمون برای سیاست‌گذاران امریکایی است. در پژوهش‌های پیشین هیچ‌کدام از منابع انگلیسی و فارسی به صورت مشخص به رویکردهای امریکا و هند در منطقه ایندو-پاسیفیک نپرداخته‌اند، بنابراین این موضوع برای اولین بار در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در این مقاله صرفاً بر رویکردهای امنیتی بر مبنای استراتژی‌های امنیتی و اسناد بالادستی دو کشور تمرکز خواهد شد.

چارچوب مفهومی: رهیافت مصون‌سازی استراتژیک

اصطلاح «مصون‌سازی»^۲ مفهومی اقتباس شده از مباحث اقتصادی است که در سال ۱۹۴۰ توسط اقتصاددانان مطرح شد و به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (درخشنده لزرجانی و شفیع، ۱۴۰۱: ۱۲). ساده‌ترین توضیح برای این

1. Auslin.

2. Hedging strategy

اصطلاح «پوشش ریسک یا بیمه» است، بدین معنا که سرمایه‌گذاران در مقابل یک رویداد پرخطر یا غیرمترقبه به دنبال اتخاذ استراتژی مصون‌سازی برای کاهش مخاطرات احتمالی هستند. مصون‌سازی واجد عنصر پیش‌بینی و ظرفیت سنجش ریسک است و از این انگیزه نشات می‌گیرد که افراد و یا سازمان‌ها به بهای پرداخت هزینه تلاش می‌کنند تا خطرهای احتمالی را کاهش دهند. پس از جنگ سرد، مفهوم مصون‌سازی در گفتمان روابط بین‌الملل برجسته شد و به عنوان یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌ها به‌ویژه در آسیا با توجه به پویایی‌های منطقه مورد توجه قرار گرفت (Chan, 2019: 3).

با این حال در قرن بیست و یکم و با بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ که مرکز آن منطقه پیچیده ایندو-پاسیفیک است مصون‌سازی^۱ دوباره به عنوان یک مفهوم در ادبیات روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت. رهیافت مصون‌سازی را می‌توان به‌طور کلی به عنوان یک استراتژی متشکل از «مکانیسم‌های تعامل و ادغام»^۲ از یک سو، و «موازنه‌سازی به سبک واقع‌گرایانه در قالب همکاری‌های امنیتی خارجی»^۳ از سوی دیگر، تعریف کرد (Medeiros, 2005: 145). در واقع رهیافت مصون‌سازی نوعی استراتژی تلقی می‌شود که قدرت‌های میانی^۴ اتخاذ می‌کنند تا با ایجاد یک حائل بین خود و دو قدرت بزرگ دیگر (امریکا و چین) از دو استراتژی «دنباله‌روی» و «موازنه‌سازی»^۵ پیروی نکنند. این دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با ایجاد یک فاصله نسبتاً مساوی بین خود و دو قدرت دیگر در عین ایجاد همکاری اقتصادی و امنیتی فاصله را حفظ کنند (Korolev, 2019: 420).

اولین گاه،^۶ استاد دانشگاه ملی استرالیا، در تحقیقات خود در مورد کشورهای آسیای جنوب شرقی نشان می‌دهد که رهیافت مصون‌سازی اتخاذ شده توسط این کشورها شامل سه عنصر اصلی است. اولاً، مستلزم ایجاد موازنه نرم/غیرمستقیم با هدف متقاعد کردن امریکا برای مقابله با نفوذ چین است. دوماً، تعامل با چین در سطوح مختلف و در نهایت مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای برای تضمین نظم منطقه‌ای با ثبات است. او توضیح می‌دهد

1. The term hedging
2. Engagement and integration mechanisms
3. Realist-style balancing in the form of external security cooperation
4. The strategy of middle powers
5. Balancing and bandwagoning
6. Evelyn Goh

که چگونه یک کشور مصون ساز از ترکیبی از استراتژی‌های موازنه‌سازی به همراه تعامل در راستای بیمه کردن در برابر شرایط غیرقطعی/بی‌ثبات فعلی و مقاصد آینده ابرقدرت‌ها استفاده می‌کند. از منظر او، رهیافت مصون‌سازی صرفاً یک سیاست مربوط به کشورهای میانه است؛ زیرا قدرت‌های بزرگ نمی‌توانند مدعی استراتژی مصون‌سازی باشند (Goh, 2005: viii).

به‌طور مشخص‌تر از منظر رهیافت مصون‌سازی قدرت‌های میانی تلاش می‌کنند تا حاکمیت و امنیت خود را در برابر هرگونه عدم اطمینان و رقابت بین قدرت‌های بزرگ تضمین کنند. مسئله اصلی در رهیافت مصون‌سازی این است که هرچه رقابت بین قدرت‌های بزرگ شدت بگیرد، شانس اتخاذ سیاست مصون‌سازی توسط قدرت‌های میانی کم‌تر خواهد شد. دولت‌های آسیا-پاسیفیک در حال استفاده از استراتژی مصون‌سازی در برابر عدم قطعیت و تهدید پنهانی ناشی از افزایش رقابت دو قدرت بزرگ چین و امریکا هستند. هند به دلیل فقدان اتحادهای خارجی رسمی، پایبندی به برخی از اصول عدم تعهد و اصل استقلال استراتژیک، عقب‌ماندگی نسبی در بحث توسعه، واقعیت جغرافیایی ناشی از ۲۵۰۰ مایل مرز مورد مناقشه با چین، باعث شده است تا به روش خاص خود از سیاست مصونیت‌سازی استفاده کند.

درواقع هند از یک‌سو، تعامل اقتصادی با چین و اتحادیه کشورهای آسه‌آن را گسترش داده و به دنبال تعامل و مشارکت اقتصادی با چین برای بهره‌بردن از ثمرات رشد اقتصادی چین از طریق افزایش سطوح تجارت و سرمایه‌گذاری است و از سوی دیگر، مشارکت استراتژیک راهبردی و اتحاد غیررسمی با سایر کشورهای همفکر دموکراتیک مانند گفتگوی امنیتی چهار جانبه (کواد) را دنبال می‌کند. این امر نشان می‌دهد که هند به‌عنوان یک قدرت میانی از «استراتژی مصون‌سازی» یا ترکیبی از تعامل و موازنه‌سازی غیرمستقیم/نرم استفاده می‌کند تا خود را در برابر پتانسیل بالقوه هژمونی منطقه‌ای چین در بحبوحه عدم اطمینان در مورد تعهد استراتژیک امریکا به منطقه ایندو-پاسیفیک تضمین کند (Twining, 2015: 30-31).

اگرچه پکن و دهلی نو هر دو تلاش دارند بر توسعه داخلی خود تمرکز کنند، اما قاطعیت نظامی چین و همچنین رقابت برای نفوذ در مناطق کلیدی با منافع نسبی یکسان -مانند دریای چین جنوبی و پاسیفیک غربی، اقیانوس هند، جنوب شرق آسیا و خلیج فارس- می‌تواند چین و هند را به سمت یک وضعیت تشدید یافته رقابت ژئوپلیتیکی سوق دهد. امریکا نقش مهمی در همکاری با هند جهت ایجاد موازنه قدرت آسیایی در برابر هرگونه تلاش چین برای هژمونی در اقیانوس هند دارد.

در این پژوهش، رهیافت مصون‌سازی به این دلیل به عنوان چارچوب مفهومی انتخاب شده که وقتی یک مفهوم به منصفی ظهور می‌رسد درصدد توضیح چیزی است. مفهوم مصون‌سازی بیانگر تغییر و تحولات استراتژیک بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ در سطح نظام بین‌الملل و ظهور بازیگران منطقه‌ای است که در یک منطقه جغرافیایی مهم در حال وقوع است و سمت‌وسوی آینده بسیاری از تحولات استراتژیک جهانی را رقم خواهد زد.

همچنین کاربرد این مفهوم به معنای به رسمیت شناختن این موضوع است که اقیانوس هند و اقیانوس آرام صحنه ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده قرن بیست و یکم است و نه تنها محل سریع‌ترین رشد اقتصادی و رقابت قدرت‌های بزرگ است بلکه همچنین مملو از اختلافات زمینی و دریایی است که به مدیریت دقیق برای حفظ ثبات نیاز دارد. با افزایش اهمیت استراتژیک ایندو-پاسیفیک، قدرت‌های بزرگ در حال گسترش سیاست‌های جدید برای تقویت دسترسی خود به این منطقه هستند (Pant & Milford, 2021: 3). بنابراین دولت‌های میانی منطقه‌ای درصدد اتخاذ استراتژی‌هایی هستند که اولاً وارد رقابت دو قدرت نشوند و دوماً بیشترین منفعت و کمترین هزینه را متحمل شوند.

اهمیت منطقه ایندو-پاسیفیک

ایندو-پاسیفیک متنوع‌ترین منطقه جهان است. این منطقه ۳۶ کشور قاره‌ای، شبه‌جزیره‌ای و مجمع‌الجزایری را شامل می‌شود. ایندو-پاسیفیک بیش از ۳ میلیارد نفر جمعیت -نیمی از جمعیت جهان- از جمله دو کشور چین و هند را شامل می‌شود و جایی است که بیش از سه هزار زبان در آن صحبت می‌شود. این منطقه دارای بزرگ‌ترین دموکراسی جهان (هند) و بزرگ‌ترین کشورهای مسلمان (اندونزی، پاکستان و هند) است. شامل برخی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین نیروهای نظامی جهان از جمله نیروهای چین، کره شمالی، کره جنوبی، هند و ژاپن است. همچنین سه قدرت هسته‌ای از پنج قدرت هسته‌ای موجود (روسیه و آمریکا) در این منطقه حضور دارند. این منطقه از طریق آبراه‌های استراتژیک خود مانند تنگه مالاکا و سوندا^۱ سالانه ۷۵،۰۰۰ کشتی را ترانزیت می‌کند؛ آسیا را به اروپا و خاورمیانه متصل می‌کند (Auslin, 2018: 1-2).

1. The Malacca and Sunda Straits

نه تنها اقتصادهای بزرگ منطقه -چین، هند و ژاپن- برای تجارت و تأمین انرژی خود به مسیرهای دریایی ایندو-پاسیفیک وابسته هستند، بلکه این منطقه به عنوان هاب تجارت جهانی و تأمین انرژی به رسمیت شناخته شده است. در حالی که ۸۰ درصد حجم تجارت جهانی و ۷۰ درصد از نظر ارزش از طریق دریا حمل می‌شود، ۶۰ درصد تجارت دریایی از طریق ایندو-پاسیفیک انجام می‌شود. اهمیت اقتصادی این منطقه باعث می‌شود که این منطقه از ارزش استراتژیک بالایی برخوردار باشد. امنیت در ایندو-پاسیفیک به پیش‌نیازی برای رونق تجارت جهانی تبدیل شده است، زیرا مهم‌ترین ورودی‌های دریایی (باب‌المنندب و تنگه مالاکا^۱) در دو طرف این منطقه قرار دارند (Nicolas, 2021: 1).

پیش‌بینی می‌شود که ایندو-پاسیفیک بزرگ‌ترین محرک رشد جهانی در ۳۰ سال آینده باشد. جغرافیا، منابع طبیعی، جمعیت و موقعیت آن در زنجیره‌های ارزش جهانی، همگی با هم ترکیب شده و چشم‌انداز اقتصاد کلان قوی را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که این منطقه پرجمعیت‌ترین منطقه جهان است، در دهه‌های آینده اهمیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایندو-پاسیفیک افزایش خواهد یافت (Kumar, 2022: 1).

استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا

امریکا در دوره جنگ سرد استراتژی کلان امنیتی در منطقه شرق آسیا نداشت و چشم‌انداز سیستم امنیتی آن در قبال منطقه بر حفظ ساختارهای اتحادمحور دوجانبه (معروف به سیستم چرخ و دنده^۲) به عنوان پایه ثبات منطقه‌ای و اساس شکوفایی اقتصادی متمرکز بود. همچنین منطقه بیشتر تابع رقابت امریکا و شوروی در سطح نظام بین‌الملل بود. پس از پایان جنگ سرد وزارت دفاع امریکا در گزارش سال ۱۹۹۲ خود به‌کنگره با عنوان «چارچوب استراتژیک برای حاشیه آسیا-پاسیفیک» ساختار اتحاد آسیایی را به عنوان مهم‌ترین دستاورد کشور از پایان جنگ جهانی دوم برمی‌شمارد (Hemmings, 2020: 145-146).

در سال ۱۹۹۵ وزارت دفاع امریکا اولین استراتژی امنیتی رسمی این کشور بعد از جنگ سرد در مورد آسیا-پاسیفیک را منتشر کرد. در این استراتژی بر اهمیت اتحادهای دوجانبه به عنوان پایه و اساس ثبات منطقه‌ای و ابزاری برای نفوذ این کشور در مسائل کلیدی شرق آسیا تأکید

1. Bal al Mandeb and the Malacca Strait

2. Hub and spoke

می‌کند (US Department of Defense, 1995: 1) و با حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ تمرکز استراتژی‌های امنیتی کلان این کشور به غرب آسیا تغییر پیدا کرد (Ford & Goldgeier, 2021: 10). با این حال، از سال ۲۰۰۲ دفتر ارزیابی پنتاگون شروع به ارائه ایده گسترش نفوذ امریکا در اقیانوس هند به عنوان بخشی از تغییر جهت گیری گسترده‌تر امریکا به سمت شرق آسیا کرد. اما ایده گسترده‌تر ایندو-پاسیفیک تنها پس از انتشار سفرنامه ژئوپلیتیکی رابرت کاپلان^۱ در سال ۲۰۱۰ در میان سیاست‌گذاران امریکایی تجلی یافت و این ایده رواج یافت که ایندو-پاسیفیک در قرن بیست و یکم در نقطه کانونی رقابت‌های استراتژیک قدرت‌های بزرگ قرار خواهد گرفت (Jackson, 2021: 4).

از سال ۲۰۱۱ روابط جهانی بین امریکا و قدرت‌های نظامی و اقتصادی در حال ظهور به یکی از مؤلفه‌های کلیدی امنیت ملی این کشور تبدیل شد. قدرت‌های در حال ظهور و تهدید آن‌ها برای هژمونی امریکا منجر به ظهور مفهوم «بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ»^۲ شد و رقابت استراتژیک بین دولتی به دغدغه اصلی امنیت ملی امریکا تبدیل شد. با بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ، منطقه ایندو-پاسیفیک کانون محوری این رقابت در قرن بیست و یکم است و به نوعی مرکز ثقل موازنه قدرت جهانی از اروپا به ایندو-پاسیفیک منتقل شده است. در دولت اوباما از اصطلاح ایندو-پاسیفیک در استراتژی توازن مجدد^۳ در قبال آسیا استفاده شد. با این حال هیچ تعریف جغرافیایی واضح و منسجمی از این مفهوم در دولت اوباما وجود نداشت. تمرکز جغرافیایی ابتکار «کریدور اقتصادی ایندو-پاسیفیک»^۴ که جان کری^۵ وزیر امور خارجه وقت امریکا در گفتگوی استراتژیک امریکا و هند در سال ۲۰۱۳ ارائه داد محدود به جنوب و جنوب شرق آسیا بود (US Department of State, 2013: 2). در همین حال در سال ۲۰۱۴ دستیار وزیر امور خارجه امریکا در امور آسیای جنوبی و مرکزی، ایندو-پاسیفیک را به عنوان «قوس ساحلی وسیعی که از آفریقای جنوبی تا استرالیا امتداد دارد» تعریف کرد (US Department of State, 2014: 5). در دولت اوباما از واژه‌های «آسیا-پاسیفیک» و «ایندو-

1. Robert Kaplan's
2. The renewed great power competition
3. The Rebalance
4. Indo-Pacific Economic Corridor
5. John Forbes Kerry

آسیا-پاسیفیک^۱» برای اشاره به منطقه‌ای که توسط اقیانوس آرام و اقیانوس هند به هم مرتبط است، استفاده شده است.

برای اولین بار دولت ترامپ در اجلاس سران آپک^۲ در هانوی در سال ۲۰۱۷ چشم‌انداز ایندو-پاسیفیک را به صورت رسمی ارائه کرد و در استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۷، ایندو-پاسیفیک به یک اولویت منطقه‌ای سطح بالا ارتقا یافت. استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷، ایندو-پاسیفیک را به عنوان منطقه‌ای توصیف می‌کند که در آن یک «رقابت ژئوپلیتیکی بین دیدگاه‌های آزاد و سرکوبگر نظم جهانی در حال وقوع است» و جایی است که «چین از انگیزه‌ها و محرک‌های اقتصادی، اعمال نفوذ و تهدیدات نظامی ضمنی برای متقاعد کردن سایر کشورها با توجه به برنامه‌های سیاسی و امنیتی خود استفاده می‌کند» (Ayres, 2019: 3).

استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا اساساً در چهار سند کلیدی از جمله استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی، گزارش استراتژی ایندو-پاسیفیک و ایندو-پاسیفیک آزاد و باز گنجانده شده است. دولت ترامپ در همین راستا در سال ۲۰۱۷ نام فرماندهی نظامی امریکا در اقیانوس آرام را به «فرماندهی ایندو-پاسیفیک امریکا^۳» تغییر داد (Köllner, 2021: 5). نقش کلیدی جنوب آسیا و به‌ویژه هند در اقیانوس آرام و دیگری نقش روزافزون هند در کل منطقه اقیانوس هند از دیگر دلایل استفاده امریکا از مفهوم «ایندو-پاسیفیک» به جای اصطلاح موجود «آسیا-پاسیفیک» است (US Department of State, 2018: 5).

وزارت دفاع و وزارت امور خارجه امریکا در سال ۲۰۱۹ هرکدام اولین استراتژی ایندو-پاسیفیک خود را منتشر کردند. گزارش استراتژی ایندو-پاسیفیک ۲۰۱۹ امریکا، چین را به عنوان رقیب اصلی خود و تهدیدکننده‌تر از روسیه شناسایی کرده است. در دولت ترامپ رقابت دوجانبه با چین صرفاً به مسائل امنیتی محدود نماند و به رقابت‌های اقتصادی، فناوری و حتی نفوذ جهانی تسری یافت (Denisov & et al, 2021: 74). در واقع با روی کار آمدن ترامپ، تهدید چین جدی‌تر گرفته شد و استراتژی ایندو-پاسیفیک ترامپ رویکرد رقابتی تری نسبت به چین در مقایسه با استراتژی آسیا-اقیانوسیه اوباما یا چرخش به آسیا ترسیم کرد.

همچنین در استراتژی ایندو-پاسیفیک دولت بایدن در سال ۲۰۲۲، چین در کانون

1. Indo-Asia Pacific

۲. سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسیفیک.

3. US Indo-Pacific Command

اصلی است و خاطر نشان می‌کند که امریکا چالش چین در منطقه ایندو-پاسیفیک را بر همکاری با متحدان ناتو برای رویارویی با چالش روسیه در شرق اروپا اولویت خواهد داد. این استراتژی بیان می‌دارد که پکن در حال استفاده همزمان از قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری برای گسترش حوزه نفوذ خود در ایندو-پاسیفیک است و به دنبال تبدیل شدن به «بانفوذترین قدرت جهان» است (Times, 2022: 2). تمرکز و تأکید مداوم استراتژی دفاع ملی ۲۰۲۲ دولت بایدن بر «مهار» چین نشان‌دهنده استمرار استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ ترامپ است.

استراتژی دفاعی دولت بایدن بر «بازدارندگی یکپارچه^۱» به عنوان سنگ بنای امنیتی خود برای جلوگیری از حملات در خشکی و دریا تأکید می‌کند. استراتژی دفاع ملی ۲۰۲۲ همچنین نشان‌دهنده تلاش‌های مداوم دولت بایدن برای تقویت اتحادها با هند، استرالیا و ژاپن برای مقابله با نفوذ چین در منطقه ایندو-پاسیفیک است. استراتژی ایندو-پاسیفیک دولت بایدن از دو عنصر کلیدی تشکیل شده است که عمدتاً به یکپارچگی اقتصادی و تقویت اتحادهای امنیتی با کشورهای منطقه هند و اقیانوس آرام اشاره دارد. می‌توان گفت دولت بایدن تقویت اتحادها را به عنصر اصلی سیاست خارجی امریکا در منطقه تبدیل کرده است (Chen & et al, 2022: 1). در مجموع امریکا خود را یک قدرت ایندو-پاسیفیک می‌داند و از آنجایی که این منطقه از لحاظ امنیتی و اقتصادی برای امریکا مهم است، این کشور درصدد حفظ هژمونی خود از طریق بازتعریف اتحادهای امنیتی و مشارکت‌های اقتصادی برای مهار نفوذ چین در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

استراتژی ایندو-پاسیفیک هند

در دوره جنگ سرد سیاست خارجی هند بر مبنای استراتژی عدم تعهد طراحی شده بود. هند در نظام بین‌المللی دوقطبی حاکم بر جنگ سرد در هیچ یک از دو بلوک قدرت قرار نمی‌گرفت و استراتژی امنیتی دهلی نو بر مدیریت بحران با پاکستان و کنترل تنش‌های مرزی با چین متمرکز بود. پس از پایان جنگ سرد این کشور شروع به ارائه مفاهیم جدید ژئوپلیتیکی کرد که منعکس‌کننده تغییرات چشمگیر محیط بین‌المللی بود. در سال ۱۹۹۱ سیاست «نگاه به

1. Integrated deterrence

شرق^۱» به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای هند برای مواجهه با وضعیت جدید نظام بین‌الملل مطرح شد (Joshi, 2021: 2). سیاست نگاه به شرق هند برای تقویت و ترویج روابط اقتصادی با کشورهای جنوب شرقی آسیا و به منظور تحکیم جایگاه هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای اتخاذ شد. با روی کار آمدن دولت مودی در سال ۲۰۱۴، «سیاست نگاه به شرق» به سیاست «کنش در شرق^۲» تغییر یافت. سیاست کنش در شرق نه تنها ادامه سیاست نگاه به شرق است، بلکه نشان‌دهنده‌ی تحول و تکامل در سیاست خارجی هند است (Abhinandan, 2021: 3-6). در واقع تمرکز سیاست نگاه به شرق صرفاً افزایش یکپارچگی اقتصادی با کشورهای آسیای جنوب شرقی بود و فقط به این منطقه محدود بود، اما تمرکز سیاست کنش در شرق یکپارچگی اقتصادی و امنیتی است و حوزه تمرکز به آسیای جنوب شرقی و همچنین کل شرق آسیا گسترش یافته است. کنش در شرق از سه جهت با سیاست نگاه به شرق متفاوت است. در جه اول، از اهداف اقتصادی فراتر رفته و حوزه‌های امنیتی را در بر می‌گیرد؛ دوم، تمرکز آن از جنوب شرقی و شمال شرقی آسیا به کل ایندو-پاسیفیک گسترش یافته است و سوم فوریت و اولویت کل منطقه در اسناد امنیتی هند افزایش یافته بود.

هدف سیاست کنش در شرق حفظ موازنه قدرت مطلوب در اقیانوس هند است که شامل چهار عنصر تأمین امنیت اقیانوس هند، ادغام با آسیای جنوب شرقی، تعمیق مشارکت استراتژیک با دیگر قدرت‌های متوازن‌کننده (امریکا، ژاپن، استرالیا، فرانسه، روسیه) و مدیریت اختلافات با چین است (Jaishankar, 2019: 13-15). به عبارت دیگر، هدف سیاست کنش در شرق ارتقای همکاری اقتصادی، روابط فرهنگی و توسعه روابط راهبردی با کشورهای منطقه آسیا-پاسیفیک از طریق ایجاد ارتباط بیشتر با کشورهای همسایه هند است.

در سال ۲۰۱۵ استراتژی امنیت دریایی هند، ایندو-پاسیفیک را به عنوان یکی از شش منطقه دریایی در اطراف هند دسته‌بندی کرد. در این استراتژی آمده که هند از طریق تنگه‌های مختلف اقیانوس آرام و اقیانوس هند، دریاهای چین جنوبی، شرقی و فیلیپین تعامل خود را با شرق تحت سیاست کنش در شرق گسترش می‌دهد. از سال ۲۰۱۸ در استراتژی امنیتی هند تأکید مجددی بر منطقه ایندو-پاسیفیک شد و این منطقه به بخش مهمی از سیاست خارجی هند تبدیل شده است. تعهد جدی هند به منطقه را می‌توان از طریق راه‌اندازی بخش ایندو-

1. Look East

2. Act East

پاسیفیک توسط وزارت امور خارجه مشاهده کرد. قدرت و نفوذ روزافزون چین و حضور مستمر آن در اقیانوس هند باعث شده تا هند توجه بیشتری به این منطقه داشته باشد. استراتژی ایندو-پاسیفیک هند توسط نخست‌وزیر مودی در گفتگوی شانگر-لا^۱ در سنگاپور در سال ۲۰۱۸ تحت مفهوم «امنیت و رشد برای همه در منطقه^۲» اعلام شد (Bureau, 2021: 2). مودی در گفتگوی شانگری-لا مکرراً به اصل برابری همه ملت‌ها «بزرگ و کوچک» اشاره کرد که اشاره‌ای به روابط چین با همسایه‌های کوچک‌تر آن است (Ministry of External Affairs, 2018). در واقع استراتژی ایندو-پاسیفیک هند که تکامل یافته سیاست‌های قبلی «نگاه به شرق» و «کنش در شرق» است بیشتر بر نگرانی‌های امنیتی ناشی از حضور روزافزون چین در حیات خلوت هند یعنی اقیانوس هند متمرکز است (Rajagopalan, 2020: 76).

علاوه بر تمرکز هند برای کنترل اقیانوس هند، باید به تلاش این کشور برای حضور در دریای چین جنوبی اشاره کرد. پس از اتخاذ استراتژی ایندو-پاسیفیک در سال ۲۰۱۸ هند به تدریج موقعیت خود را به سمت دریای چین جنوبی تغییر داد. اگرچه هند کشور ساحلی دریای چین جنوبی نیست، اما دلایل محکمی برای گسترش حضور خود در این منطقه دارد. اول اینکه منافع هند با آزادی دریانوردی مرتبط است. عبور کشتی‌ها برای تجارت هند حیاتی است؛ زیرا بیش از ۴۰ درصد تجارت هند از طریق دریای چین جنوبی انجام می‌شود. یعنی حضور هند در دریای چین جنوبی تا حدودی ناشی از نیازهای توسعه اقتصادی این کشور است.

دلیل دوم اینکه دریای چین جنوبی به عنوان دروازه ورود به اقیانوس آرام است. حضور فزاینده هند در جنوب چین، آن را به بازیگری تأثیرگذار در ایندو-پاسیفیک تبدیل خواهد کرد. تمرکز بر دریای چین جنوبی برای تامین‌کننده امنیت منطقه‌ای در اقیانوس هند حیاتی بوده است. در نهایت دلیل سوم و مهم‌ترین دلیل عامل چین است. رویکرد هند نسبت به جنوب چین تا حدودی ناشی از تمایل به دشوار کردن تسلط چین بر دریای چین جنوبی و در نتیجه دسترسی آسان‌تر این کشور به اقیانوس هند است (Pardesi, 2022: 46-47).

1. Shangri-La Dialogue

2. Security and Growth for All in the Region or SAGAR

نقش هند در استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا

روابط بین امریکا و هند به آغاز جنگ سرد برمی‌گردد. هند در دوره جنگ سرد تحت تأثیر تجربیات خود به عنوان یک کشور پسااستعماری و تلاش برای دوری از رقابت قدرت‌های بزرگ قرار داشت، اما از دهه ۱۹۸۰ روابط دوجانبه گسترش یافت. پس از آزمایش‌های هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، امریکا سیاست نزدیکی به هند را آغاز کرد که منجر به نزدیک‌تر شدن روابط دوجانبه شد. در اوایل دهه ۲۰۰۰ با رشد سریع قدرت چین، رهبران هند و تصمیم‌گیرندگان امریکایی بر نیاز به همکاری بیشتر تأکید کردند.

اولین بار در استراتژی امنیت ملی امریکا سال ۲۰۰۲ بود که بر تلاش برای همکاری با هند در مورد منافع مشترک از جمله جریان‌های تجاری به‌ویژه در مسیرهای دریایی، مبارزه با تروریسم و ایجاد ثبات در آسیا تأکید شده است. توافق هسته‌ای امریکا و هند در سال ۲۰۰۸ که در آن واشنگتن هنجارها و قوانین موجود جهانی را لغو کرد تا برای هند استثنا قائل شود به متقاعد کردن دهلی‌نو در مورد تعهد امریکا به گسترش مشارکت دوجانبه کمک کرد. اصطلاح «ارائه‌دهنده امنیت خالص^۱» در مورد هند برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ توسط رابرت گیتس^۲ وزیر دفاع وقت امریکا پیشنهاد شد. او استدلال کرد که امریکا به هند به عنوان «یک شریک و تأمین‌کننده امینت در اقیانوس هند و فراتر از آن» نگاه می‌کند (Mukherjee, 2014: 1).

از سال ۲۰۱۴ یک انگیزه استراتژیک قوی برای امریکا وجود دارد که هند را به عنوان یک شریک استراتژیک در آسیا لحاظ کند. همان‌طور که رابرت کاپلان بیان کرد امریکا با استفاده از قدرت دریایی رو به رشد متحدانی مانند هند و ژاپن برای ایجاد توازن در برابر چین این تلاش را آغاز کرد (Tellis, 2015: 25). واشنگتن در سال ۲۰۱۶ هند را به عنوان «شریک دفاعی اصلی^۳» معرفی کرد و همکاری دفاعی و امنیتی به ستون مرکزی مشارکت امریکا و هند تبدیل شد. باین حال از سال ۲۰۱۷ و به صورت مستقیم در استراتژی امنیت ملی امریکا و همچنین استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا به نقش «پیشرو» هند در منطقه ایندو-پاسیفیک توجه شده است.

استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ دولت ترامپ خواستار همکاری با متحدان و شرکای امریکا

1. Net Security Provider
2. Robert Michael Gate
3. Major defense partner

از جمله تقویت همکاری چهارجانبه با ژاپن، استرالیا و هند است که به عنوان کواد^۱ شناخته می‌شود و استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا در دوره ترامپ از ظهور هند به عنوان یک «قدرت جهانی پیشرو» استقبال می‌کند و بر گسترش روابط دفاعی با دهلی‌نو تأکید می‌کند (Ayres, 2019: 4). در جدیدترین استراتژی ایندو پاسیفیک امریکا در سال ۲۰۲۲ هند به عنوان بازیگر کلیدی در نظر گرفته شده و امریکا متعهد شده از «پیشرفت مداوم و رهبری منطقه‌ای هند» حمایت کند. این استراتژی همچنین هند را به عنوان یک شریک همفکر و رهبر در جنوب آسیا، اقیانوس هند و موتوری برای رشد و توسعه منطقه‌ای معرفی کرده است (Pillai, 2022: 4).

تفاوت رویکردهای امریکا و هند به ایندو-پاسیفیک

روابط امریکا و هند در منطقه ایندو-پاسیفیک یک «مشارکت استراتژیک^۲» است؛ اما به معنای اتحاد کامل نیست. برخلاف اتحادها، که می‌توانند نیازمند پاسخ‌های الزام‌آور طرف‌ها به رویدادهای خاص باشند، مشارکت‌های استراتژیک مستلزم سطح پایین‌تری از تعهد هستند. علاوه بر این، منافع دو طرف در چنین رابطه‌ای ممکن است بسته به موضوع با یکدیگر همگرایی یا واگرایی داشته باشد. هند با ناسازگاری سنتی نسبت به اتحاد، استقلال استراتژیک را در دیپلماسی معاصر خود پذیرفته، با این حال در بیشتر موارد از تمرین‌های نظامی مشترک، مذاکرات در سطح کارکنان، تبادل اطلاعات و رایزنی‌های دیپلماتیک، امریکا مهم‌ترین شریک هند در سطح جهانی است. نام‌گذاری هند به عنوان شریک دفاعی اصلی (۲۰۱۶) و ایجاد گفتگوی وزیران ۲+۲ امریکا و هند بخشی از تلاش امریکا برای تقویت روابط دوجانبه طی یک دهه اخیر بوده است. در حال حاضر روابط دوجانبه فاقد عناصر یک اتحاد جامع است. مهم‌ترین واگرایی‌هایی بین هند و امریکا تعریف جغرافیایی متفاوت از ایندو-پاسیفیک، نوع واکنش به ظهور چین، مرکزیت آسه‌آن است که در ذیل هر کدام مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

1. The Quadrilateral Security Dialogue

2 Strategic partnership

۱) تعریف جغرافیایی متفاوت

امریکا و هند در مورد اینکه ایندو-پاسیفیک چه منطقه‌ای را شامل می‌شود اختلاف نظر دارند. برای واشنگتن، ایندو-پاسیفیک از سواحل غربی امریکا در اقیانوس آرام تا ساحل غربی هند در اقیانوس هند امتداد دارد. مناطق اصلی تمرکز آن اقیانوس آرام و آنچه چین سان‌های^۱ می‌نامد (سه دریای زرد، چین شرقی و چین جنوبی) است. با این حال، چشم‌انداز جغرافیایی هند برای ایندو-پاسیفیک از سواحل شرقی آفریقا تا ساحل غربی امریکا است. هند «ایندو» را کل منطقه اقیانوس هند تعریف می‌کند. غرب اقیانوس هند - از جمله خلیج فارس - مهم‌ترین زیرمنطقه ایندو-پاسیفیک هند از نظر استراتژیک است که در تعریف امریکا نیست. این تعریف جغرافیایی متفاوت به‌وضوح ادراکات، اولویت‌ها، استراتژی‌ها، اهداف دو کشور را نشان می‌دهد (Desai, 2019: 2).

علت محدود کردن گستره جغرافیایی ایندو-پاسیفیک از سوی امریکا تا سواحل غربی هند از دو جنبه قابل بررسی است. اول، استراتژی ایندو-پاسیفیک این کشور تابع استراتژی امنیت ملی آن است. در سال ۲۰۱۸ جیمز متیس^۲ وزیر دفاع وقت امریکا در اظهارات خود در گفتگوی لانگری-لا در سنگاپور اشاره کرد که استراتژی ایندو-پاسیفیک زیرمجموعه‌ای از استراتژی امنیت ملی امریکا است. در استراتژی امنیت ملی امریکا ۲۰۱۷ به‌وضوح منطقه تا غرب هند تعریف شده است؛ یعنی امریکا بخش غربی اقیانوس هند، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را مستثنا کرد و در عین حال آن را برای پوشش کل اقیانوس آرام گسترش داد؛ در نتیجه ایندو-پاسیفیک تقریباً با منطقه مسئولیت فرماندهی اقیانوس آرام امریکا یکی شد (The White House, 2017).

از سال ۲۰۱۷ امریکا در استراتژی امنیت ملی خود به صراحت آورده است که بخشی از ایندو-پاسیفیک است و بر اساس تعریف جغرافیایی ارائه شده بر اهمیت این منطقه برای آینده امنیت خود تأکید کرده است. همچنین وزارت دفاع امریکا در گزارش استراتژی ایندو-پاسیفیک خود در سال ۲۰۱۹ مجدداً تأیید کرد که ایندو-پاسیفیک گستره وسیعی از کره زمین از ساحل غربی امریکا تا سواحل غربی هند را در برمی‌گیرد و در این گزارش آمده است که ایندو-پاسیفیک «تنها منطقه مهم برای آینده امریکا»^۳ خواهد بود (US Department of Defense, 2019: 4).

1 The San Hai

2. James Norman Mattis

3. the single most consequential region for America's future

دوم، آمریکا نقش هند را متناسب با دو استراتژی منطقه‌ای خود یعنی، استراتژی ایندو-پاسیفیک و استراتژی جنوب آسیا تقسیم می‌کند. هند نه تنها در استراتژی منطقه‌ای مشترک برای ایندو-پاسیفیک بلکه در مورد آسیای جنوبی و مرکزی نیز مورد توجه ویژه است. نقش هند نه تنها در استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ بلکه در استراتژی جنوب آسیا به طور مجزا برجسته شده است. در واقع در نقش مورد انتظار از هند در استراتژی جنوب آسیا ایجاد ثبات در افغانستان بود و در استراتژی ایندو-پاسیفیک ایجاد یک منطقه ایندو-پاسیفیک در ابعاد اقتصادی و امنیتی است (US Department of State, 2018: 6).

برای هند، جغرافیای ایندو-پاسیفیک از سواحل آفریقا تا قاره آمریکا امتداد دارد که شامل کشورهای جزیره اقیانوس آرام نیز می‌شود. دو دلیل وجود دارد که هند برخلاف آمریکا از حوزه جغرافیایی گسترده‌تر خود از «ایندو-پاسیفیک» رونمایی کرد. اول، هند باید استدلال می‌کرد که «ایندو» در مفهوم ایندو-پاسیفیک نشان‌دهنده‌ی اقیانوس هند است. هند که تمرکز اصلی آن در اقیانوس هند بود باید روشن می‌کرد که لبه غربی «ایندو-پاسیفیک» فقط کشور هند نیست بلکه شامل کل اقیانوس هند، خاورمیانه، خلیج فارس و شرق آفریقا است.

دوم، روابط هند با قدرت‌های منطقه‌ای تنها با آمریکا نیست بلکه با چین و روسیه نیز ارتباط دارد. هند از ادغام شدن در گروهی از کشورهای همفکر تحت عنوان ایندو-پاسیفیک اجتناب می‌کند، به ویژه کشورهایی که آشکارا به دنبال مهار چین هستند. گستره جغرافیایی وسیع از جمله چین و روسیه به هند گزینه‌های گسترده‌تری برای دستیابی به منافع ملی خود در ایندو-پاسیفیک می‌دهد و از وضعیت تعهد بیش از حد به یک طرف خاص اجتناب می‌کند (Wada, 2020: 12).

۲) ظهور چین

اگرچه هر دو کشور چین را یک چالش در منطقه ایندو-پاسیفیک می‌دانند اما رویکردهای آن‌ها برای مقابله با چین متفاوت است. استراتژی ایندو-پاسیفیک آمریکا آشکارا به مدرن‌سازی نظامی و اقدامات اقتصادی چین به عنوان تهدیدی برای صلح و ثبات منطقه ایندو-پاسیفیک اشاره می‌کنند. هدف اصلی استراتژی ایندو-پاسیفیک آمریکا «مهار چین»^۱ در سطح نظام بین‌الملل است (Kliem, 2020: 5). اما نگرانی‌های امنیتی هند

بیشتر به افزایش ردپای چین در منطقه اقیانوس هند محدود می‌شود. روابط هند و چین در سال ۱۹۶۲ به پایین‌ترین سطح خود رسید زیرا دو کشور جنگ کوتاهی در امتداد مرز مورد مناقشه با یکدیگر داشته‌اند.

با این حال تا به امروز جامعه هند همچنان نگران ماجراجویی غیرمنتظره پکن است. مناقشه مرزی همچنان یکی از عوامل تحریک‌کننده در روابط هند و چین است. برخی مسائل دیگر مانند کریدور چین-پاکستان^۱، مسئله تبت و عدم توازن تجاری نیز به بی‌اعتمادی روابط چین و هند دامن زده است. اکثر استراتژیست‌های دریایی هند نیروی دریایی چین را تهدید شماره یک برای هند در اقیانوس هند می‌دانند (Liu & Jamali, 2021: 9-15).

اگرچه هدف استراتژی ایندو-پاسیفیک هند فشار به چین در اقیانوس هند برای گرفتن امتیاز در مرزهای مورد مناقشه با چین است اما برخلاف استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا که بعد امنیتی دارد هند تلاش دارد اختلافات خود را از طریق ایجاد توازن منطقه‌ای و از طریق دیپلماسی حل و فصل کند. در واقع اینکه دهلی‌نو دلایل خاص خود را برای رقابت با پکن دارد، منافع امریکا، ژاپن و برخی از کشورهای آسه‌آن را به همراه داشته است. با توجه به نگرانی‌های مشترک در مورد ظهور چین، حضور هند می‌تواند فرصتی برای بسیاری از کشورها باشد.

در واقع می‌توان گفت «حلقه‌ای» که هند و امریکا را به هم پیوند می‌دهد، نگرانی متقابل آن‌ها در مورد چین در حال ظهور در منطقه ایندو-پاسیفیک است. هند چین را مهم‌ترین رقیب بلندمدت خود می‌داند و رهبران هند به‌ویژه نگران مشارکت استراتژیک چین با رقیب کوتاه‌مدت خود، پاکستان هستند. اما این بدان معنا نیست که دهلی‌نو اشتباهی زیادی برای رویارویی با پکن - به‌ویژه خارج از منطقه اقیانوس هند - داشته باشد (Lin & et al, 2021: 8).

۳) محوریت آسه‌آن

یکی دیگر از رویکردهای متفاوت امریکا و هند به منطقه ایندو-پاسیفیک، محوریت آسه‌آن در منطقه است. چشم‌انداز ایندو-پاسیفیک هند بر محور آسه‌آن متمرکز است. از نظر مقامات هند آسه‌آن سنگ‌بنای منطقه ایندو-پاسیفیک است. برای هند، مشارکت و گفتگو از طریق معماری تحت رهبری آسه‌آن برای صلح و امنیت این منطقه حیاتی است. در واقع موقعیت استراتژیک

آسه‌آن در قلب منطقه ایندو-پاسیفیک و تداوم زمینی آن (از طریق میانمار) با هند این منطقه را به محوری برای رویکرد ایندو-پاسیفیک هند تبدیل کرده است (Desai, 2019: 5-6). هند با چهار دولت از ده دولت آسه‌آن مرزهای دریایی و زمینی مشترک دارد. اما برای امریکا، چشم‌انداز ایندو-پاسیفیک آن بیشتر بر اتحادها و مشارکت‌های دوجانبه و چندجانبه متمرکز است و کمتر بر معماری منطقه‌ای به رهبری آسه‌آن متمرکز است. اگرچه تا قبل از سال ۲۰۱۱، امریکا تعامل خود را با کشورهای منطقه از طریق اتحادیه کشورهای منطقه‌ای تحت رهبری آسه‌آن انجام داده است اما تغییر واقعیت‌های ژئوپلیتیک بین امریکا و چین برخی کشورهای آسه‌آن را وادار کرده است تا رویکرد متوازن‌تری داشته باشند (Joshi, 2021: 5). در واقع کشورهای عضو آسه‌آن یک رویکرد دوگانه در پیش گرفته‌اند. از یک طرف؛ آن‌ها از حضور امریکا در منطقه استقبال کرده‌اند اما از سوی دیگر از آنجایی که آن‌ها از روابط اقتصادی نزدیک با چین برخوردار هستند از مشارکت در هرگونه رویارویی مستقیم با پکن خودداری می‌کنند.

چین و استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا و هند

هدف اصلی استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا، مهار چین در منطقه است. اگرچه چین در ابتدا موضع آشکاری نسبت به استراتژی ایندو-پاسیفیک نگرفته بود، اما به مرور زمان به میزان تهدید آن برای منافع خود پی برد؛ به طوری که وزیر خارجه چین در سال ۲۰۲۰ استراتژی ایندو-پاسیفیک را یک خطر بزرگ امنیتی برای منطقه معرفی و آن را به «ناتوی جدید» تشبیه کرد (Yi, 2022). این مقایسه بیانگر میزان تهدید استراتژی ایندو-پاسیفیک برای پکن است و حتی می‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین چارچوب ژئوپلیتیکی خطرناکی که چین با آن مواجه است در نظر گرفت. در سطح نظامی، استراتژی ایندو-پاسیفیک با هدف قرار دادن چشم‌انداز نیروی دریایی چین جهت حضور در اقیانوس آرام و هند و ترفندی برای مسدود کردن دسترسی چین به دریاها تلقی می‌شود. در مقابل این استراتژی کمک می‌کند تا نیروی دریایی امریکا نقش بیشتری در این آب‌ها ایفا کنند (Auslin, 2020: 175). در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، استراتژی ایندو-پاسیفیک راهی برای به چالش کشیدن ابتکار کمربند-راه چین، جلوگیری از ارتقای صنعتی چین، حمله به مدل توسعه آن و تهدید حیات انرژی آن است (Miracola and Berkofsky, 2019: 33-34). از منظر چین، اگرچه امریکا به عنوان نیروی اصلی و پیش‌برنده استراتژی ایندو-پاسیفیک است و چین کشور هدف و مهار شونده در این استراتژی است، این هند است که به عنوان یک کشور محوری

در استراتژی ایندو-پاسیفیک امریکا برای موازنه چین به آن نیازمند است. رشد اقتصادی سریع، جغرافیا و جمعیت بزرگ، توانایی نظامی، واقع شدن در نقطه اتصال آسیا، خاورمیانه و آفریقا و در نهایت مرز مشترک با چین دلیل اهمیت هند برای امریکا و مهار چین در این استراتژی است. در ارزیابی چین کشورهای درگیر در استراتژی ایندو-پاسیفیک مانند امریکا، ژاپن و استرالیا همگی برای ایجاد فشار علیه چین، به هند متکی هستند؛ بنابراین در نگاه برداشت چین، هند به عنوان بازیگر کلیدی است که موفقیت یا شکست استراتژی ایندو-پاسیفیک را تعیین می‌کند (Singh, 2022).

اگرچه توافقی بر سر اینکه آیا هند را وادار به رسمیت شناختن منافع چین کرد یا اینکه با آن از در همکاری وارد شد، وجود ندارد ولی این اجماع در سیاست خارجی چین وجود دارد که حداقل نباید هند را به دشمن تبدیل کرد. برای چین آشکار شده است که اگر روابط خود را با هند مدیریت کند، دهلی نو هرگز به طور کامل به جبهه متحدان امریکا در نخواهد آمد، همان طور که هرگز روابطش با اتحاد جماهیر شوروی به اتحاد نینجامید. لذا پکن به اهمیت دهلی نو پی برده است چراکه هند به تنهایی یا همراه با سایر کشورها می‌تواند مشکلات بی‌پایانی برای چین در آینده ایجاد کند و گسست کامل در روابط چین با هند و تبدیل هند به یک بازیگر متخاصم علیه چین می‌تواند بر محیط امنیتی چین تأثیر منفی بگذارد و مانع از تمرکز کامل چین برای مقابله با تهدیدات در اقیانوس آرام و اقیانوس هند شود (Singh, 2022).

هند تنها کشوری بود که چین را از استراتژی ایندو-پاسیفیک مستثنا نکرد بلکه از الزامات و پیامدهای این استراتژی برای همسایه خود آگاه است. در این زمینه، سخنرانی نخست‌وزیر نارندرا مودی در گفتگوی شانگری-لا در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت: «هند منطقه ایندو-پاسیفیک را به عنوان یک باشگاه انحصاری با اعضای محدودی که یک کشور را هدف قرار می‌دهد، نمی‌داند» (Modi, 2018).

هند حتی حضور خود در کواد را یک اقدام صریح علیه چین نمی‌داند و نسبت به دیگر اعضای آن کمتر موضع ضد چینی می‌گیرد (Panda, 2020: 12). علاوه بر این، هند یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهان، با بیشترین پتانسیل توسعه که درست در همسایگی چین قرار دارد و می‌تواند نقش مهمی در آینده اقتصادی چین ایفا کند (Panda, 2020: 28-29). در کنار روابط اقتصادی و تجاری، دو کشور در ایجاد کریدور اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار^۱ و همچنین کریدور اقتصادی چین-نپال-هند با یکدیگر همکاری دارند.

با این حال، چین برای جلب همکاری هند حاضر به پرداخت هزینه استراتژیک یا ایجاد هرگونه معامله واقعی، مانند برآوردن نگرانی‌های هند در مناطق مرزی مورد مناقشه یا نفوذش در جنوب آسیا یا عضویت آن در سازمان‌های بین‌المللی نیست. چین در محاسبات خود هند را به عنوان یک تهدید یا رقیب کلیدی می‌شناسد که می‌تواند خطوط حیاتی انرژی آن را تحت تأثیر بگذارد، جایگزین آن در زنجیره‌های تأمین جهانی شود و یا با آن در نهادهای مختلف بین‌المللی رقابت کند. در چنین حالتی، چین روابط خود را در یک وضعیت مدیریت شده حفظ می‌کند تا در عین حفظ سطحی از روابط با هند، باعث تشدید تنش یا درگیری تمام‌عیار با این کشور نشود که خود منجر شود تا هند بیشتر به سمت امریکا حرکت کند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد هند در کنار امریکا نقش مهمی در منطقه ایندو-پاسیفیک برای مقابله با نفوذ روزافزون چین ایفا کند. می‌توان گفت معادلات استراتژیک به سرعت در حال تحول در ایندو-پاسیفیک فرصت‌ها و چالش‌هایی برای هند به وجود می‌آورد زیرا هند به دنبال تعامل اقتصادی و استراتژیک بیشتر با کشورهای جنوب شرقی آسیا و حاشیه اقیانوس آرام است. با این حال، از آنجایی که هر دو دولت هند و امریکا با ظهور چین مخالف هستند دارای یک نوع همگرایی هستند اما دهلی نو تمایلی به ورود به هرگونه ترتیباتی که ممکن است به ائتلاف علیه چین منجر شود، ندارد و نمی‌خواهد به عنوان بخشی از اقدام مشترک علیه چین دیده شود. هدف مستقیم امریکا مهار چین است و هند علی‌رغم یک مشارکت استراتژیک با امریکا با یک دوراهی مواجه شده است و تلاش دارد ترکیب پیچیده‌ای از سیاست‌ها را برای مقابله با ظهور چین و پیامدهای آن در منطقه ایجاد کند.

در حال حاضر، هند به‌طور هم‌زمان یکی از اعضای فعال سازمان همکاری‌های شانگهای به رهبری چین و کواد تحت رهبری امریکا است. تاکنون، این سیاست استقلال استراتژیک با موفقیت عمل کرده است. اما این سؤال پیش می‌آید که هند تا چه زمانی می‌تواند از این سیاست پیروی کند؟ به نظر می‌رسد هند دو گزینه پیش‌رو دارد. گزینه اول این است که ممکن است یک شریک از دو بلوک در حال ظهور را انتخاب کند و تمام وزن استراتژیک خود را پشت آن بگذارد. این انتخاب، شبیه به یک اتحاد رسمی، می‌تواند پیامدهای امنیتی و اقتصادی جدی برای هند داشته باشد. گزینه دوم هند این است که از سیاست چندجانبه‌ای فعلی خود دست بکشد و به دوران عدم تعهد خود بازگردد و کاملاً خود را از سیاست فعلی قدرت جدا کرده و به فاصله‌های برابر باز می‌گردد.

منابع

- درخشنده لزجانی، مریم و شفیع، نوذر (۱۴۰۱)، سیاست ایالات متحده نسبت به چین در چارچوب استراتژی مصون‌سازی (۱۹۹۰-۲۰۲۱)، فصلنامه سیاست جهانی، دوره یازدهم، شماره دوم، تابستان، پیاپی ۴۰، صفحات ۳۸ تا ۷۳.
- Abhinandan, N. (2021), The Changing Power-Relations in the Indo-Pacific: Decoding New Delhi's Strategic Outlook, Institute Security & Development Policy ,Focus Asia Perspective & Analysis February 2021
- Auslin, M. R. (2018), The question of american strategy in the indo-pacific. Hoover Institution, 2020.
- Auslin, M. (2020), Asian's New Geopolitics: Essays on Reshaping the Indo-Pacific, California: Hoover Institution Press.
- Ayres, A. (2019), The US Indo-Pacific Strategy Needs More Indian Ocean. Council on Foreign Relations.
- Berkofsky, A., & Miracola, S. (2019), Geopolitics by other means: The indo-pacific reality. Milan: Ledizioni-LediPublishing.
- Bisley, N. (2020), Book review of Rory Medcalf's Contest for the Indo-Pacific. Australian Foreign Affairs, 9, 127-130.
- Bureau, D&b. (2021), India's role in the Indo-Pacific. <https://diplomacybeyond.com/indias-role-in-the-indo-pacific>.
- Chan, L. H. (2019), Australia's Strategic Hedging in the Indo-Pacific: A'Third Way' Beyond Either China or the US. .
- Chen, T., & Nance, A., & Sumner, H. (2022), Water wars: AUKUS goes hypersonic <https://www.lawfareblog.com/water-wars-aukus-goes-hypersonic>.
- Denisov, I., Paramonov, O., Arapova, E., & Safranchuk, I. (2021), Russia, china, and the concept of indo-pacific. Journal of Eurasian Studies, 12(1), 72-85.
- Desai, S. (2019), Approaches to Indo-Pacific: India and US. <https://asiatimes.com/2019/07/approaches-to-indo-pacific-india-and-us>.

- Ford, L. W., & Goldgeier, J. (2021), Retooling america's alliances to manage the china challenge. Brookings Report, January, 25.
- Goh, E. (2005), Meeting the China Challenge: The U.S. in Southeast Asian Regional Security Strategies. EastWest Center Policy Studies No. 16. Washington, DC: East-West Center, .
- Heiduk, F., & Wacker, G. (2020), From Asia-Pacific to Indo-Pacific: significance, implementation and challenges.
- Hemmings, J. (2020), The evolution of the us alliance system in the indo-pacific since the cold war's end. Hindsight, Insight, Foresight: Thinking About Security in the Indo-Pacific, 145-159.
- Iida, K. (2021), introduction: competition and cooperation in the Asia-Pacific region , Volume 21, Issue 1, P 1-6.
- Jackson, v. (2021), America's Indo-Pacific Folly. Adding New Commitments in Asia Will Only Invite Disaster. <https://www.foreignaffairs.com/articles/asia/2021-03-12/americas-indo-pacific-folly>
- Jaishankar, D. (2019), "Acting East: India in the Indo-Pacific" Brookings India Impact Series 102019-02, October 2019, Brookings Institution India Center.
- Joshi, M. (2021), What's in a Name? India's Role in the Indo-Pacific. <https://carnegiemoscow.org/commentary/85000>.
- Kapur, A. (2020), Geopolitics and the Indo-Pacific region. New York: Routledge.
- Khurana, G. S. (2007), Security of sea lines: Prospects for India-Japan cooperation. Strategic analysis, 31(1), 139-153.
- Kliem, F. (2020), Why quasi-alliances will persist in the indo-pacific? The fall and rise of the Quad. Journal of Asian Security and International Affairs, 7(3), 271-304.
- Köllner, P. (2021), Beyond" Indo-Pacific": Understanding Small Pacific Powers on Their Own Terms.
- Korolev, A. (2019), Shrinking room for hedging: system-unit dynamics and behavior of smaller powers. , (3), 419-452.

- Kumar, G. (2022), Making US-India Partnership the Prime Axis of the Indo-Pacific. <https://thegeopolitics.com/making-us-india-partnership-the-prime-axis-of-the-indo-pacific>.
- Lin, B., Chase, M. S., Blank, J., Cooper, C. I., Grossman, D., Harold, S. W., ... & Kim, S. (2020), Regional Responses to US-China Competition in the Indo-Pacific. RAND CORP SANTA MONICA CA SANTA MONICA United States.
- Liu, H., & Jamali, A. B. (2021), India’s Indo-Pacific Strategy: A Pragmatic Balancing between the United States and China. *Pacific Focus*, 36(1), 5-39.
- Medcalf, R. (2020), *Indo-Pacific empire: China, America and the contest for the world’s pivotal region*. Manchester University Press.
- Medeiros, E. S. (2005), Strategic hedging and the future of Asia-pacific stability, (1), 145-167.
- Ministry of External Affairs. (2018), Government of India, “Prime Minister’s Keynote Address at Shangri La Dialogue”, 1 June. <https://www.mea.gov.in/SpeechesStatements.htm?dtl/29943/Prime+Ministers+Keynote+Address+at+Shangri+La+Dialogue+June+01+2018>.
- Modi, N. (2018), Prime Minister’s keynote address at Shangri La Dialogue (June 01, 2018), Ministry of external affairs government of India, Available on: <https://www.mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/29943/Prime+Ministers+Keynote+Address+at+Shangri+La+Dialogue+June+01+2018>.
- Mukherjee, A. (2014), India as a Net Security Provider: Concept and Impediments. Policy Brief, S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang Technological University.
- Nicolas, F. (2021), The regional economic order: Four scenarios. Available on: <https://www.ifri.org/en/publications/publications-ifri/articles-ifri/regional-economic-order-four-scenarios>
- Panda, J. P. (2020), India’s approach to the “Quad” and the salience of China. In (pp. 12-38). Routledge.
- Pant, H. V., & Milford, T. (2021), The UK Shifts to the Indo-Pacific: An Opportunity for India-UK Ties. *Issue Brief*, (444).

- Pardesi, M. S. (2022), India’s China strategy under Modi continuity in the management of an asymmetric rivalry. *International Politics*, 59(1), 44-66.
- Pillai, R. (2022), India’s Place in the New US Indo-Pacific Strategy. <https://www.orfonline.org/research/indias-place-in-the-new-us-indo-pacific-strategy/>
- Rajagopalan, R. (2020), Evasive balancing: India’s unviable Indo-Pacific strategy. *International Affairs*, 96(1), 75-93.
- Rossiter, A., & Cannon, B. J. (2020), Conflict and cooperation in the Indo-Pacific: New geopolitical realities. In (pp. 1-11). Routledge.
- Schottli, J. (2022), India and the “great powers”: from the Indian Ocean to the Indo-Pacific region , Volume 111, Issue 3, P 412-425.
- Singh, A. G. (2022), China’s evolving strategic discourse on India: from Doklam to Galwan and beyond, Stimson, Available on: <https://www.stimson.org/2022/chinas-evolving-strategic-discourse-on-india/>.
- Tellis, A. (2015). Unity in difference: overcoming the US–India difference. Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- The White House. (2017), National Security Strategy of the United States of America, December. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>.
- Times, H. (2022), In its new Indo-Pacific strategy, US commits to supporting India’s rise. February 13. <https://cset.georgetown.edu/article/in-its-new-indo-pacific-strategy-us-commits-to-supporting-indias>.
- Twining, D. (2015), India’s Heavy Hedge Against China, and its New Look to the United States to Help. , , 29-41.
- US Department of Defense. (2019), Indo-Pacific Strategy Report, 1 June, <https://media.defense.gov/2019/Jul/01/2002152311/-1/-1/1/DEPARTMENT-OF-DEFENSE-INDO-PACIFICSTRATEGY-REPORT-2019.PDF>.
- US Department of State. (2013), Remarks by John Kerry, Secretary of State, on “The

- US-India Strategic Partnership”, 23 June. <https://2009-2017.state.gov/secretary/remarks/2013/06/211013.htm>.
- US Department of State. (2014), “US Foreign Policy in South Asia: A Vision for Prosperity and Security”, 16 April. <https://2009-2017.state.gov/p/sca/rls/rmks/2014/224914.htm>
 - US Department of State. (2018), Special Briefing by Alex N. Wong, Deputy Assistant Secretary, Bureau of East Asian and Pacific Affairs, on “The Indo-Pacific Strategy”, 2 April. <https://www.state.gov/briefing-on-the-indopacific-strategy/>.
 - US Department of State. (2018), Special Briefing, “Senior State Department Official Remarks to Traveling Press”, 6 September. <https://www.state.gov/senior-state-department-official-remarks-to-traveling-press/>.
 - Wada, H. (2020), The Indo-Pacific Concept: Geographical Adjustments and Their Implications. S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang Technological University.
 - Yi, W. (2020), U.S. ‘Indo-Pacific Strategy’ Undermines Peace and Development Prospects in East Asia,” Ministry of Foreign Affairs of the People’s Republic of China, Available on: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1824140.shtml.